

آیین دادرسی مدنی

به روش ساده

تألیف: امیر کمالوند

وکیل پایه یک دادگستری

ویرایش جدید

چاپ هفدهم

پاییز ۱۴۰۳

به نام خدا

مقدمه

خداوند منان را سپاسگزارم که اساتید و کادر اجرایی موسسه داد آفرین به منظور خدمت رسانی و توسعه آموزش علم حقوق سال ها در کشور مشغول فعالیت می باشند. موسسه با برگزاری دوره های آموزشی و آزمون های آزمایشی جهت ورود دانشجویان به مشاغل حقوقی و دوره های آمادگی جهت شرکت در آزمون های حقوقی و چاپ کتب علمی و آموزشی خدمات شایانی را به متقاضیان ارائه می دهد؛ به گونه ای که داد آفرین همواره به عنوان منبع بسیاری از خدمات نوین آموزشی در میان جامعه حقوقی به اشتهار رسید و اکنون به عنوان برند برتر در حوزه آموزش حقوق در کشور شناخته می شود.

جزوه حاضر را بر اساس ترتیب مواد قانون آیین دادرسی مدنی به تحریر در آمده ضمن این که آخرین تغییرات مربوط به قانون دیوان عدالت اداری و قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ نیز در آن اعمال گردیده است.

از سوی دیگر به دانشجویان عزیز متذکر می شوم علاوه بر جزوه حاضر باید متن قانون آیین دادرسی مدنی و آرای وحدت رویه را نیز مطالعه نمایند.

در پایان بر خود لازم می دانم از زحمات تمامی کارکنان موسسه به ویژه سرکار خانم صدیقه دودانگه که در چاپ این اثر ایجاب رایاری نمودند قدردانی نمایم. همچنین از دانشجویان گرامی تقاضا دارم چنانچه در خصوص این جزوه نظریه یا پیشنهادی دارند ایجاب را از طریق نشانی الکترونیکی amirkamalvand@gmail.com آگاه سازند.

امیر کالوند

تبرستان ۱۴۰۳

فهرست مطالب

۷	تعریف آئین دادرسی مدنی.....
۷	فایده آیین دادرسی
۸	محتوای آیین دادرسی مدنی.....
۹	بررسی محتوای آیین دادرسی مدنی از لحاظ آمره یا مخیره بودن.....
۹	بررسی اثر قانون لاحق در محتوای آیین دادرسی مدنی.....
۱۳	نحوه‌ی اعمال مقررات آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به دعاوی در صلاحیت سایر مراجع.....
۱۵	در مواردی که تشریفات آیین دادرسی مدنی رعایت نمی‌شود.....
۱۶	تعریف دعوا.....
۱۷	شرایط اقامه دعوا.....
۲۲	انواع دعاوی.....
۲۶	پ: هزینه دادرسی.....
۲۹	ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۳۲	تصمیمات دادگاه.....
۳۴	تقسیمات حکم:.....
۴۰	قرار.....
۴۳	نحوه تنظیم و ابلاغ قراردادهای اعدادی:.....
۴۶	دستور موقت.....
۵۲	صلاحیت.....
۵۷	شورای عالی مالیاتی.....
۵۸	مراجع صالح در اختلافات گمرکی.....
۵۹	دعوی افزاز.....
۵۹	سایر مواردی که در صلاحیت اداره ثبت می‌باشد:.....
۶۱	صلاحیت دادگاه خانواده.....
۶۹	دیوان عدالت اداری.....
۷۰	سازمان دیوان عدالت اداری.....
۷۳	صلاحیت نسبی.....
۷۷	دعوی طاری.....
۷۹	شرایط صدور قرار اناطه.....
۸۰	ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۰	ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۰	ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۱	ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۱	ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۲	ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۸۳	اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن.....
۹۰	وکالت.....
۱۱۹	دادخواست.....

۱۲۳.....	آثار دادخواست.....
۱۳۲.....	مقاطع دادرسی.....
۱۳۵.....	ختم دادرسی.....
۱۳۷.....	خواسته - بهای خواسته.....
۱۴۵.....	بخشنامه «یکنواخت‌سازی در اخذ هزینه دادرسی» مصوب ۱۳۹۶/۱/۲۸ رئیس قوه قضائیه.....
۱۴۷.....	ابلاغ.....
۱۵۵.....	ایرادات.....
۱۶۵.....	رد دادرس.....
۱۶۸.....	جلسه دادرسی.....
۱۷۵.....	توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۱۸۵.....	تأمین خواسته - دستور موقت.....
۲۰۵.....	ورود شخص ثالث - جلب شخص ثالث - دعوی متقابل.....
۲۱۵.....	اظهارنامه.....
۲۱۷.....	تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۲۲۳.....	سازش و درخواست آن.....
۲۳۳.....	رسیدگی به دلایل.....
۲۵۹.....	طرق شکایت.....
۲۵۹.....	واخواهی.....
۲۶۵.....	تجدیدنظرخواهی.....
۲۷۹.....	فرجام‌خواهی.....
۲۹۱.....	اعتراض ثالث:.....
۲۹۷.....	اعاده دادرسی.....
۳۰۱.....	اعاده دادرسی در دیوان عدالت اداری.....
۳۰۳.....	اعاده دادرسی از طریق رئیس قوه قضائیه و یا رئیس دیوان عدالت اداری نسبت به آرا دیوان عدالت اداری.....
۳۰۳.....	اعاده دادرسی از طریق رئیس قوه قضائیه نسبت به احکام حقوقی و کیفری دادگاه‌ها.....
۳۰۹.....	مواعد.....
۳۱۱.....	داوری.....
۳۲۲.....	داوری در دعاوی خانوادگی.....
۳۲۲.....	داوری در قراردادهای پیش‌فروش ساختمان.....
۳۲۳.....	داوری در قراردادهای راجع به خصوصی‌سازی.....
۳۲۳.....	داوری در امور مربوط به تعاونی‌ها.....
۳۲۴.....	بروز اختلاف بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خودرو.....
۳۲۴.....	هیأت داوری سازمان بورس.....

تعریف آیین دادرسی مدنی

آیین در لغت فارسی به معنای رسم، روش و شیوه آمده است. در عربی به طریقه معنی شده است؛ آیین دادرسی مدنی، در اصطلاح یعنی شیوه دادخواهی در امور مدنی. قانونگذار در ماده ۱ ق.آ.د.م. مقرر می‌نماید: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.»

فایده آیین دادرسی

حق سلطه و امتیازی است که قانونگذار به اشخاص می‌دهد تا بتوانند در اجتماع زندگی کنند. حق در عالم اعتبار مستقر و به سبب قانون به وجود می‌آید. قوانین را می‌توانیم در یک دسته‌بندی به قوانین ماهوی (تعیین کننده یا موجد حق) و در مقابل به قوانین شکلی (تضمین کننده) تقسیم‌بندی کنیم.

بر پایه قوانین ماهوی برای اشخاص حق ایجاد می‌شود؛ قانون مدنی، قانون تجارت و قانون مجازات از قوانین ماهوی محسوب می‌شوند. به طور مثال مقنن در ماده ۱۰۸۱ ق.م. می‌گوید، به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود. بنابراین زوج بر اساس قانون ماهوی و حقی که برای زوج به وجود آمده است متعهد می‌شود تا مهر را به زوج تسلیم نماید. چنانچه حق اشخاص از سوی اشخاص دیگر اجتماع رعایت شود، هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید به طور مثال متعهد، تعهد خویش را به موقع اجرا نماید اما اگر حقی که برای شخص بوجود آمده از سوی دیگر اشخاص اجتماع رعایت نشود، در این صورت مدعی حق تضییع شده به منظور استیفای حقوق خویش به قوانین شکلی یا تضمین کننده متمسک می‌شود. بنابراین آیین دادرسی تضمین حقوق ماهوی اشخاص را عهده‌دار است.

علی‌القاعده حقوق اشخاص در اجتماع از سوی دیگر اشخاص رعایت می‌شود اما گاه ممکن است حق اشخاص مورد تضییع و یا تجاوز قرار گیرد.

در صورتی که حق تضییع شده فعل یا ترک فعلی باشد، که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده، مدعی حق تضییع شده جهت احقاق حق خویش به مقررات مربوط به آ.د.ک. متمسک می‌شود. در غیر این صورت مقررات مربوط به آ.د.م. مسیر اجباری اجرای حق می‌باشد.

البته باید دانست، تنها راه احقاق حق، توسل به آیین دادرسی (قوانین تضمین کننده) نمی‌باشد راه‌های دیگری نیز برای احقاق حق وجود دارد، از جمله، حق حبس در معاملات - داوری، سازش، تنظیم سند رسمی و دفاع مشروع.

محتوای آیین دادرسی مدنی

محتوای این مقررات را می‌توانیم به سه دسته تقسیم و آن را مورد مطالعه قرار دهیم.

الف) قوانین مربوط به سازمان قضایی

ب) قوانین مربوط به صلاحیت

ج) قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص

۱ - سازمان قضایی

این مقررات ساختار، سازمان و تشکیلات مراجع قضایی همچنین مقررات استخدامی و انتظامی قضات و اشخاص وابسته به دادگستری (وکلا و کارشناسان) را تعیین می‌نماید به طور مثال به موجب این قوانین در دادگاه‌های عمومی نخستین قاعده وحدت قاضی و در دادگاه‌های تجدیدنظر قاعده تعدد قاضی، حاکم است.

۲ - صلاحیت مراجع قضاوتی

صلاحیت در اصطلاح توانایی و شایستگی است که قانونگذار به مرجعی می‌دهد تا بتواند به امری رسیدگی نماید. مانند این‌که اداره تأمین اجتماعی محل صالح شناخته شده تا بتواند به دعوی بین کارگر و کارفرما رسیدگی نماید، هنگامی که خواسته الزام کارفرما به پرداخت حق بیمه است. یا اگر اختلاف به سبب رابطه زوجیت باشد دادگاه خانواده برای رسیدگی به اختلاف فی مابین زوجین صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد.

مقررات مربوط به صلاحیت بر دو قسم است:

الف) صلاحیت ذاتی ب) صلاحیت نسبی یا محلی

صلاحیت ذاتی: این مقررات تعیین می‌نماید کدام یک از مراجع برای رسیدگی به چه امری توانایی و شایستگی دارند این مقررات توسط قانونگذار تعیین می‌شود.

صلاحیت نسبی یا محلی: این قواعد، قلمرو یا محدوده جغرافیایی دادگاه را مشخص می‌نماید مقررات مربوط به صلاحیت محلی مقرر می‌نماید، دعوا باید علی‌القاعده در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود و یا دعوی راجع به مال غیر منقول در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است.

۳ - آیین دادرسی مدنی به معنای اخص

این مقررات قواعدی، همچون طرز تنظیم دادخواست، ابلاغ آن، ارائه دلایل، رسیدگی به دعوا، صدور و انشای رأی، طرق شکایت از آرای دادگاه‌ها را تعیین می‌نماید.

بررسی محتوای آیین دادرسی مدنی از لحاظ آمره یا مخیره بودن

قانون امری (آمره) مقرراتی می‌باشند که اشخاص برخلاف آن نمی‌توانند تراضی کنند و تراضی به خلاف این قوانین باطل و بلااثر است.

به طور مثال طرفین اختلاف در داوری، نمی‌توانند با تراضی، شخص فاقد اهلیت را به عنوان داور انتخاب نمایند. چنین توافقی باطل و بلااثر می‌باشد، زیرا به خلاف قانون امری صورت پذیرفته است.

قانون تکمیلی در این دسته از مقررات اشخاص می‌توانند برخلاف قواعد وضع شده توافق نمایند.

به طور مثال سن داور نباید کمتر از بیست و پنج سال باشد، لیکن طرفین در داوری می‌توانند با توافق شخص بیست ساله‌ای را به عنوان داور برای حل اختلاف تعیین نمایند.

۱) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی از قوانین آمره می‌باشد، لذا اشخاص نمی‌توانند برخلاف آن تراضی کنند؛ به طور مثال طرفین دعوا با تراضی نمی‌توانند قاعده وحدت قاضی را به قاعده تعدد قاضی تغییر دهند.

۲) مقررات مربوط به صلاحیت

الف) صلاحیت ذاتی: مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی، از قوانین امره می‌باشد، بنابراین اشخاص نمی‌توانند با توافق، دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه خانواده را، در دادگاه انقلاب اقامه نمایند.

ب) صلاحیت محلی: مقررات مربوط به صلاحیت محلی اصولاً از قوانین تکمیلی می‌باشند و علی‌القاعده می‌توان برخلاف آن تراضی نمود، البته در خصوص دعاوی راجع به اموال غیرمنقول باید دعوا در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول اقامه شود و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن تراضی و دعوا را در دادگاهی، غیر از دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول اقامه نمایند.

۳) مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی به معنای اخص

مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی به معنای اخص آمره می‌باشد، بنابراین اگر رأی دادگاه قابلیت شکایت نباشد طرفین نمی‌توانند با توافق، شکایت از آن را ممکن نمایند.

بررسی اثر قانون لاحق در محتوای آیین دادرسی مدنی

ماده ۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد اثر قانون نسبت به آینده است و قانون به گذشته بر نمی‌گردد به بیان دیگر قانون عطف به ماسبق نمی‌شود.

سؤال این است که آیا، قاعده پیش‌گفته که راجع به حقوق ماهوی است، در قوانین شکلی نیز به همین صورت رعایت می‌گردد؟

در پاسخ باید گفت در قوانین شکلی (تضمین کننده) قاعده ماده ۴ قانون مدنی اعمال نمی‌گردد؛ بلکه در این قوانین اصولاً قانون جدید به گذشته بر می‌گردد. در حقوق مدنی قانون لاحق عطف به ماسبق نمی‌شوند زیرا با حقوق مکتسبه افراد مغایرت پیدا می‌نماید. لیکن در قوانین شکلی، قانون لاحق عطف به ماسبق می‌شود تا حقوق ماهوی را که سابقاً برای اشخاص به وجود آمده به شیوهی بهتری تضمین نماید. در اینجا لازم است، اثر قانون لاحق را بررسی نماییم.

مقررات مربوط به سازمان قضاوتی از جهت اثر قانون جدید

قانون لاحق در مقررات مربوط به سازمان قضاوتی عطف به ماسبق می‌گردد به طور مثال اگر در روز ثبت دادخواست در جهت رسیدگی به دعوا مطابق مقررات مربوط به سازمان قضاوتی قاعده تعدد قاضی حاکم باشد لیکن در روز رسیدگی به دعوا به موجب قانون جدید، قاعده وحدت قاضی حاکم گردد، به دعوای طرح شده در زمان قانون سابق، مطابق با قانون لاحق رسیدگی می‌شود بنابراین در مثال پیش‌گفته دعوای طرد شده به وسیله یک قاضی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. (وحدت قاضی)

مقررات مربوط به صلاحیت از لحاظ اثر قانون جدید

الف) قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی

قانون لاحق در قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شوند و با توجه به اثر فوری این مقررات شامل دعوای مطروحه نیز می‌گردد پس اگر دعوایی در دادگاه عمومی مطرح شود و در روز رسیدگی به موجب قانون جدید رسیدگی به چنین دعوایی در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گیرد، دادگاه عمومی به شایستگی دادگاه انقلاب قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به آن دادگاه ارسال می‌نماید. البته قانونگذار می‌تواند خلاف این قاعده را تصریح نماید.

ب) قوانین مربوط به صلاحیت محلی یا نسبی

قانون لاحق در این مقررات، اصولاً عطف به ماسبق نمی‌گردند مگر این‌که قانونگذار ترتیب دیگری غیر از این را مقرر نماید. به عبارت دیگر قانون لاحق علی‌القاعده تأثیری در صلاحیت نسبی ندارد و این امر به خلاف مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی می‌باشد.